

Asset Revaluation and Earnings Management

Fakhroddin MohammadRezaie*

Accounting department, Faculty of Finance, University of Kharazmi, Tehran, Iran,
(Corresponding Author) f.mrezaei@khu.ac.ir

Iman Khosraviyan

Kharazmi University of Tehran Faculty of Financial Sciences,
imankhosraviyan72@gmail.com

Ehsan Doulat Zarei

Accounting department, Faculty of Economics and Management, University of Qom,
Qom, Iran, ehsan.dzarei@gmail.com

Abstract

Purpose: Despite the importance of the issue of asset revaluation by listed firms in Tehran Stock Exchange (TSE) in recent years, there is little empirical evidence regarding its drivers and consequences. Hence, the purpose of this study is to investigate the impact of asset revaluation on earnings management.

Methods: To examine this issue, 1147 firm - year observations from 2007 to 2017 were tested using multiple regression models. Furthermore, to measure earnings management, three common models with high detection power have been used.

Results: The findings illustrated that there is a direct relationship between asset revaluation and earnings management. The research findings also show that the relationship between earnings management and asset revaluation is stronger when revaluation is using non-depreciable assets.

Conclusion: In line with the hypothesis of opportunistic behavior, managers are more likely to have the necessary incentives to engage in up-ward earnings management due to the unintended consequences of assets' revaluation on operating profit and decrease in earnings per share due to capital increase from revaluation surplus. Following asset revaluation, just because of changes in accounting numbers (without changes in assets' economic value), the materiality calculated by auditor increases. Thus, by disrupting in calculation of the materiality, earnings management level in firms is likely to be increased after asset revaluation.

Contribution: The present study using opportunistic behavior hypothesis and materiality concept explains and interprets the relation between asset revaluation and earnings management which seems to be a novel idea. It is expected that this study has significant achievements. For instance, findings of this study suggest that researchers should capture the effect of asset revaluation in their regression models in an effort to prevent potential misleading inferences from their results in the case of controlling client firm size based on total assets in their regression models.

Keywords: Asset Revaluation, Managers' Opportunistic Behavior, Materiality and Earnings Management.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود

فخرالدین محمدرضائی*

استادیار گروه حسابداری عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، (نویسنده مسئول) f.mrezaei@khu.ac.ir

ایمان خسرویان

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، imankhosraviyan72@gmail.com

احسان دولت زارعی

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد دانشگاه قم، ehsan.dzareei@gmail.com

چکیده

هدف: علیرغم اهمیت موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌های بورسی در سال‌های اخیر، شواهد تجربی بسیار ناچیزی در ارتباط با محرک‌ها و پیامدهای آن وجود دارد. بنابراین، هدف این تحقیق بررسی نقش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر مدیریت سود می‌باشد.

روش: به‌منظور نیل به این هدف، ۱۱۴۷ سال - شرکت در طی دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۶ با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مورد آزمون قرار گرفت. هم‌چنین، برای اندازه‌گیری مدیریت سود از سه مدل رایج، استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود رابطه مستقیم وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین مدیریت سود و تجدید ارزیابی زمانی قوی‌تر است که تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک‌ناپذیر است.

نتیجه‌گیری: در راستای فرضیه رفتار فرصت‌طلبانه، مدیریت واحد تجاری به دلیل پیامدهای ناخواسته تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر سود عملیاتی و کاهش سود هر سهم به دلیل افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی، انگیزه لازم برای مدیریت سود افزایشده را خواهد داشت. هم‌چنین، پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها (بدون ورود منابع مالی جدید به شرکت)، تنها به دلیل تغییرات در اعداد و ارقام اقلام صورت‌های مالی، سطح اهمیت حسابرسی، افزایش می‌یابد. لذا، با اخلال در محاسبه سطح اهمیت، ممکن است سطح مدیریت سود در صورت‌های مالی شرکت‌ها پس از تجدید ارزیابی افزایش یابد.

دانش‌افزایی: این پژوهش بر اساس فرضیه رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت و مفهوم سطح اهمیت، به تفسیر و توضیح رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود پرداخته که در نوع خود بی‌بدیل هست. پژوهش حاضر می‌تواند دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای را به همراه داشته باشد. به‌عنوان مثال، یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌کند که پژوهشگران تجدید ارزیابی دارایی‌ها را در مدل‌های رگرسیونی خود کنترل کنند تا متغیر جمع دارایی‌ها، اختلالی در پژوهش آن‌ها ایجاد نکند.

واژگان کلیدی: تجدید ارزیابی دارایی‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت، سطح اهمیت و مدیریت سود.

۱- مقدمه

صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین جزء گزارشگری مالی، اطلاعات مفیدی در مورد وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری و جریان‌های نقدی، ارائه می‌کند که این اطلاعات می‌تواند مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان قرار گیرد (کاماروزمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۱۳). تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که مهم‌ترین قلم از نظر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، سود گزارش شده در صورت سود و زیان است (مانند، میرشکاری و سوداگران، ۲۰۰۵). اما سودی می‌تواند به استفاده‌کنندگان در تصمیمات اقتصادی یاری رساند که بیانگر عملکرد زیربنایی و واقعی واحد تجاری باشد (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۳۶۵). سودی حسابداری ممکن است تحت تأثیر دخالت‌ها و دست‌کاری‌های مدیریت واحد تجاری قرار گیرد؛ چرا که سود حسابداری بر اساس استانداردهای حسابداری تحت تأثیر برآوردهای مدیریت قرار می‌گیرد. دست‌کاری سود توسط مدیریت یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش کیفیت گزارشگری مالی است. شیپر (۱۹۸۹؛ ۹۲) مدیریت سود را مداخله عامدانه در فرآیند گزارشگری مالی بیرونی، با هدف به دست آوردن منافع شخصی، تعریف می‌کند.

عوامل متعددی بر مدیریت سود اثرگذار هستند، شامل عوامل مرتبط با صاحب‌کار (مانند حاکمیت شرکتی)، حسابرس (مانند کیفیت حسابرس) و فرآیند حسابرسی (مانند حق‌الزحمه حسابرسی) (دیچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۳۴۵ - ۳۴۹). حسابرسان مستقل به‌عنوان افرادی که دارای تخصص و تجربه و هم استقلال هستند، نقش قابل ملاحظه‌ای در اطمینان بخشی نسبت به اطلاعات مالی ارائه شده توسط مدیران شرکت‌ها، بازی می‌کنند. لذا یکی از سازوکارها برای کاهش مدیریت سود، اعمال تعدیلات و اصلاحات توسط حسابرس می‌باشد و حسابرسان بر اساس سطح اهمیت حسابرسی اقدام به ارائه پیشنهادها و یا نهایتاً صدور گزارش غیرمقبول می‌کنند (داتار و همکاران، ۱۹۹۱؛ بالسام و همکاران، ۲۰۰۳).

تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر جاری اقدامی برای تشریح درست ارزش واقعی دارایی‌های سرمایه‌ای یک واحد تجاری است. هدف تجدید ارزیابی دارایی‌های سرمایه‌ای عبارت از جایگزینی ارزش‌های منصفانه با ارزش دفتری آن دارایی‌هاست. دلایل متعددی برای تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر جاری ذکر شده است. از جمله مهم‌ترین دلایل عبارت از ارائه اطلاعات مالی مربوط تر در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. در ایران نیز مطابق استانداردهای حسابداری ۱۱، ۱۵، ۱۷، چنانچه ارزش‌های منصفانه دارایی‌های ثابت مشهود، نامشهود و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به‌طور قابل‌اتکا در دسترس باشد و تفاوت بین ارزش دفتری و ارزش منصفانه آن دارایی‌ها، قابل ملاحظه باشد، شرکت‌ها مجاز هستند ارزش منصفانه دارایی‌های مذکور در تاریخ تجدید ارزیابی را از هر نظر جایگزین ارزش‌های دفتری آن‌ها نمایند.

در ایران، تا پایان سال ۱۳۸۹ هیچ شرکتی تمایل به تجدید ارزیابی نداشت، چرا که با توجه به مصوبه ماده ۶۲ قانون برنامه سوم توسعه چنین وانمود شده بود که مازاد تجدید ارزیابی، درآمد مشمول مالیات است. از طرفی در استاندارد حسابداری شماره ۱۱ تجدیدنظر شده ۱۳۸۶ و اصلاح شده بر اساس استانداردهای حسابداری جدید تا مهر ۱۳۸۹ با عنوان دارایی‌های ثابت مشهود، عنوان شده که انتقال مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه ممنوع است، مگر به موجب تجویز قانون. به دلیل تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، کشور شرایط رکود تورمی شدیدی را از سال ۱۳۹۰ تجربه کرد که ماحصل آن کاهش درآمدهای عملیاتی، افزایش هزینه‌ها و زیان تسعیر بسیار بالای بدهی‌های ارزی شرکت‌ها بود که نهایتاً اغلب آن‌ها را با زیان‌های انباشته قابل توجه روبرو کرد (باستانی فر و میرزائی، ۱۳۹۳؛ ۳۶۲؛ رضائی، ۱۳۹۷؛ ۲۰۲). قانون‌گذاران برای خروج شرکت‌ها از شمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت (ورشکستگی) اجازه افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها، برخلاف استانداردهای حسابداری را تصویب کردند.

بر اساس بخش ب بند ۷۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۰، بند ۳۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۱، بند ۴۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۲ و ماده ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی (مجوز ۵ ساله از ۱۳۹۱/۰۶/۲۵ تا ۱۳۹۶/۰۶/۲۴) به شرکت‌ها اختیار داده شده که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کنند و به شرط انتقال مازاد به سرمایه، مشمول مالیات نخواهند بود. با تصویب تبصره یک ماده ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ شرکت‌ها می‌توانند طبق استانداردهای حسابداری دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کنند و از معافیت مالیاتی بهره‌مند شوند ولی حق انتقال مازاد به سرمایه را ندارند. از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۴ حجم عظیمی از شرکت‌ها با ارزیابی املاک و دارایی‌های قابل تجدید ارزیابی خود سرمایه خود را میلیاردها ریال افزایش دادند (شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۴ مازاد شناسایی کرده‌اند، فرصت داشتند طبق مصوبه هیئت‌وزیران تا پایان سال ۱۳۹۶ نسبت به ثبت سرمایه در اداره ثبت شرکت‌ها اقدام کنند). هم‌چنین، مطابق آئین‌نامه افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی مصوب هیئت‌وزیران در جلسه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸، شرکت‌ها تحت شرایطی مجاز به افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها با معافیت از مالیات افزایش سرمایه شدند.

در این راستا شرکت‌های زیادی در ایران به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود اقدام کرده‌اند. این در حالی است که به‌طورکلی کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مناسب نیست (میرشکاری و سوداگران، ۲۰۰۵). همان‌گونه که پژوهش میرشکاری و سوداگران (۲۰۰۵؛ ۳۳) نشان می‌دهد که اکثر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بر این باورند که تأخیر در انتشار گزارش‌های مالی سالانه، عدم اطمینان از اطلاعات و عدم افشای کافی، از نگرانی‌های اصلی گزارش‌های مالی سالانه شرکت‌ها در ایران است. در این راستا آماره‌های توصیفی ارائه‌شده توسط محمدرضائی و فرجی

(۱۳۹۸؛ ۹۳) نشان می‌دهد که میانگین تجدید ارائه صورت‌های مالی برای شرکت‌های بورسی حدود ۷۰ درصد است. این موضوع می‌تواند یکی از نشانه‌های غیرقابل اتکا بودن گزارش‌های مالی شرکت‌های ایرانی باشد. حالا سؤالی که مطرح است این است که آیا تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند موجب ایجاد انگیزه‌ها و یا شرایطی برای مدیریت سود شود؟

برای تشریح نظری رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود از دو دیدگاه رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و سطح اهمیت حسابرسی استفاده کردیم. بر اساس نظریه رفتار فرصت‌طلبانه، مدیران در صورت وجود محرک‌هایی مانند فشار مستمر سرمایه‌گذاران برای دستیابی به سود از پیش تعیین‌شده و منافع شخصی، اقدام به مداخله در محاسبه سود کرده و آن را دستکاری می‌کنند. برگسترسر و فلیپین (۲۰۰۶؛ ۵۱۱) نشان دادند که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری، بیشتر در شرکت‌هایی اتفاق می‌افتد که ارزیابی عملکرد مدیران و پاداش آن‌ها با قیمت سهام شرکت گره خورده باشد. این موضوع رخ می‌دهد چرا که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی از اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌های مالی به‌منظور تعیین ارزش سهام شرکت استفاده می‌کنند (دیچو و اسکینر، ۲۰۰۰). بنابراین، مدیران برای تأثیرگذاری بر قیمت سهام شرکت در کوتاه‌مدت اقدام به دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری می‌کنند (نورنا و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۳۶۷). تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران از نوع افزایشنده و به‌منظور افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌هاست. تجدید ارزیابی دارایی‌ها به‌طور افزایشنده موجب کاهش سود عملیاتی به دلیل افزایش هزینه استهلاک می‌شود. همچنین، افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها موجب افزایش تعداد سهام بدون تزریق منابع مالی جدید می‌شود که نهایتاً سود هر سهم را بشدت کاهش می‌دهد. این دو پیامد ناخواسته تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند محرکی برای مدیریت واحد تجاری برای دستکاری سود واحد تجاری به‌منظور تأثیرگذاری بر قیمت سهام پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها باشد.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها توسط صاحب‌کاران می‌تواند در محاسبه سطح اهمیت^۱ شرکت توسط حسابرسان اختلال وارد کند. هرچند برآورد سطح اهمیت و تفکیک موارد بااهمیت از کم‌اهمیت توسط استانداردهای حسابرسی به قضاوت حسابرسان محول شده است، حسابرسان در عمل، برآورد کمی از سطح اهمیت در سطح هر کار حسابرسی نموده که عمدتاً بر اساس اقلام دارایی‌ها و سود خالص (فروش) است (مزبیر و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۱۵۴)^۲. تجدید ارزیابی دارایی‌ها موجب متورم شدن جمع دارایی‌های صاحب‌کار نسبت به دوره قبل از آن می‌شود. به‌طوری‌که بدون افزایش در توان عملیاتی شرکت، تنها به دلیل افزایش دارایی‌ها، سطح اهمیت محاسبه‌شده توسط حسابرسان افزایش می‌یابد. لذا اشتباهات یا ایراداتی که تا قبل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر اساس سطح اهمیت کشف و می‌بایست اصلاح می‌شدند، پس از تجدید

ارزیابی دارایی‌ها به دلیل قرار گرفتن در سطحی پایین‌تر از سطح اهمیت، نیازی به اصلاح نخواهند داشت. لذا، با اخلال در محاسبه سطح اهمیت، ممکن است سطح مدیریت سود در شرکت‌ها پس از تجدید ارزیابی افزایش یابد. بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) در شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند، افزایش یابد. پژوهش حاضر از طرق مختلف می‌تواند منجر به بسط ادبیات پژوهش در این حوزه گردد. اول اینکه، بررسی‌های انجام‌شده از سوی پژوهشگران دیگر در ایران، از قبیل بهارمقدم و فروغی نعمت الهی (۱۳۹۵) و منصوری و همکاران (۱۳۹۶) که تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ اما هیچ شواهدی در مورد پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر مدیریت سود وجود ندارد. است. دوم، پژوهش حاضر با اجرای آزمون‌ها در سطح نوع تجدید ارزیابی دارایی‌ها (از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر و استهلاک ناپذیر) شواهدی در مورد متفاوت بودن سطح مدیریت سود با توجه به نوع تجدید ارزیابی دارایی‌ها فراهم کرده است. سوم، این پژوهش و شواهد تجربی فراهم‌شده توسط پژوهش‌های قبلی در سطح بین‌الملل، مبین آن است که موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌ها توسط شرکت‌ها می‌تواند پیامدهایی داشته باشد. چنانچه تجدید ارزیابی دارایی‌ها به‌عنوان یک متغیر در مدل‌های رگرسیونی گنجانده نشود، قابلیت اتکای یافته‌های پژوهش آن‌ها را می‌تواند به خاطر مشکل متغیرهای محذوف همبسته زیر سؤال ببرد. دستاوردهای پژوهش حاضر برای سرمایه‌گذاران، فعالان حرفه حسابرسی و نهادهای ناظر بازار سرمایه، در بخش نتیجه‌گیری، بحث شده است. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش به‌طور اجمالی مرور و فرضیه‌های پژوهش تدوین شده است. آنگاه روش پژوهش شامل گردآوری داده‌ها و مدل پژوهش ارائه شده است. سپس، یافته‌های پژوهش شامل آمار توصیفی، برازش مدل پژوهش و آزمون‌های حساسیت ارائه شده است. بخش نهائی نیز به بحث و نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری، پیشینه پژوهش و تدوین فرضیه‌ها

۲-۱. مبانی نظری و مرور پیشینه

به‌منظور تشریح نظری رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و دست‌کاری سود، از دو دیدگاه به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. دیدگاه اول به احتمال مدیریت سود پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها از بعد انگیزه‌های مدیریت واحد تجاری می‌پردازد و دیدگاه دوم این مسئله را از بعد اخلاقی که تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند بر محاسبه سطح اهمیت حسابرسی داشته باشد، تشریح می‌کند.

بر اساس فرضیه «رفتار فرصت‌طلبانه» مدیران شرکت‌ها تحت فشار مستمر سرمایه‌گذاران برای دستیابی به عملکردهای خاص و نیز حفظ منافع خود می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر، مدیران در

معرض فشارهای بازار سرمایه هستند که این امر منجر به انگیزه بیشتر آن‌ها برای دست‌کاری ارقام تعهدی جهت دستیابی به سود موردنظر می‌شود (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۱۰). بر اساس این فرضیه، مدیران شرکت‌ها جهت حفظ منافع شخصی خود و اهداف دیگر به احتمال زیاد گزارش فرصت‌طلبانه ارائه می‌دهند چراکه غالباً بخشی از ثروت شخصی مدیران شرکت‌های بورسی به قیمت سهام شرکت وابسته است، که به آن‌ها انگیزه می‌دهد که قیمت سهام را بالا نگه دارند. رفتار فرصت‌طلبانه مدیر اقتضا می‌کند در گزارش سود دخل و تصرف کند. مدیریت سود یک رفتار فرصت‌طلبانه از جانب مدیریت برای دستیابی به اهداف خاص می‌باشد (برگستر و فیلیپین، ۲۰۰۶). به همین علت، مدیران واحدهای تجاری معمولاً انگیزه‌های لازم برای دخالت عامدانه در فرآیند محاسبه سود دارند که می‌تواند منجر به مدیریت سود شده و نهایتاً مربوط بودن و قابلیت اتکای سود گزارش شده را بشدت کاهش دهد. تجدید ارزیابی دارایی‌ها به دلیل پیامدهایی که می‌تواند بر سود خالص، سود هر سهم و نهایتاً بازدهی سهام داشته باشد، به‌عنوان محرکی قابل توجه برای رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت قابل تصور است.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند بدون ورود منابع مالی جدید، صرفاً از طریق تغییر در اعداد و ارقام ارقام صورت‌های مالی، در قضاوت‌های حسابرسان مبتنی بر سطح اهمیت حسابرسی، اخلال وارد کند. اهمیت یک مفهوم اصلی و اساسی در تئوری و عملکرد حسابداری و حسابرسی است. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (IAASB, 2004) بیان می‌کند که «حذف یا نادرست بودن ارقام، بااهمیت است اگر آن‌ها بتوانند به‌تنهایی یا درمجموع بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان که بر مبنای صورت‌های مالی اخذ می‌گردد، مؤثر باشند. اهمیت بستگی به اندازه و ماهیت ارقام حذف‌شده یا نادرست دارد که با توجه به شرایط اطراف و محیط، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. اندازه و ماهیت قلم یا ترکیبی از هر دو می‌توانند به‌عنوان عامل‌های تعیین‌کننده باشند».

مفهوم اهمیت در کل فرآیند حسابرسی موضوعیت دارد، اما به‌ویژه برای برنامه‌ریزی حسابرسی و در ارزیابی نتایج آزمون‌های حسابرسی دارای اهمیت است. ارزیابی مواردی که در هر یک از مراحل حسابرسی مزبور دارای اهمیت یا فاقد اهمیت است، قضاوت حرفه‌ای حسابرس است. در مرحله برنامه‌ریزی، حسابرس میزان کلی از اهمیت (برای صورت‌های مالی به‌طورکلی) را تعیین می‌کند که برای تعیین دامنه حسابرسی استفاده می‌شود. این سطح از اهمیت معمولاً به اهمیت مراحل «برنامه‌ریزی» یا «حسابرسی» برمی‌گردد. به‌طورکلی، حسابرسان بخشی از اهمیت محاسبه شده در مرحله برنامه‌ریزی را به مانده حساب‌ها یا طبقات معاملات اختصاص می‌دهند. این مبلغ اختصاص داده شده به‌عنوان «اشتباه قابل تحمل» در آن مانده حساب یا طبقه ذکر می‌شود و مبلغی را نشان می‌دهد که با استفاده از آن حساب یا طبقه‌ای

از معاملات می‌تواند دچار اشتباه شود اما مهم و بااهمیت تلقی نشود. با اتمام حسابرسی، اشتباهات کشف‌شده با اشتباهات قابل تحمل مقایسه می‌شوند تا مشخص شود آیا این اشتباهات به اندازه کافی بااهمیت هستند که نیاز به تعدیل دفاتر و صورت‌های مالی صاحب‌کار داشته باشند یا خیر. این بخش از فرایند معمولاً به‌عنوان «ارزیابی» سطح اهمیت یاد می‌شود. استانداردهای حسابرسی نشان می‌دهد که از نظر تئوری، اهمیت در برنامه‌ریزی حسابرسی بایستی مشابه اهمیت در مرحله ارزیابی حسابرسی باشد اگر بر اساس همان اطلاعات موجود در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی باشد (مزبیر و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۱۵۵).

مباحث نظری بحث شده نشان از پیچیدگی مبحث برآورد سطح اهمیت و قضاوت بر اساس آن توسط حسابرسان، دارد. پیش‌بینی می‌شود که تجدید ارزیابی دارایی‌ها پیچیدگی امر برآورد و کاربرد سطح اهمیت در قضاوت‌های حسابرسان را دوچندان کند. هم‌چنین، در راستای فرضیه رفتار فرصت‌طلبانه مدیر، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند محرکی جهت مدیریت سود افزایش‌دهنده باشد. در ادامه پژوهش‌های مرتبط با علل و پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها در سطح بین‌الملل و کشور، مرور شده‌اند.

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تجدید ارزیابی دارایی‌ها را می‌توان در دو جریان علل و پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، دسته‌بندی کرد. پژوهش‌های انجام‌شده در مورد علل تجدید ارزیابی دارایی‌ها در کشورهای مختلف مانند استرالیا (براون و ایزی، ۱۹۹۲)، بریتانیا (لین و پیسنل، ۲۰۰۰)، نیوزلند (سنگ و سو، ۲۰۰۹)، کره جنوبی (چوی و همکاران، ۲۰۱۳) و اندونزی (ذکریا، ۲۰۱۵)، شواهد جالبی را فراهم کرده‌اند. به‌طور خلاصه این پژوهش‌ها محرک‌های انجام تجدید ارزیابی دارایی‌ها را به کاهش هزینه‌های قراردادی، هزینه‌های سیاسی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تقلیل استهلاک سرمایه، نسبت داده‌اند.

براون و ایزی (۱۹۹۲؛ ۳۶) در پژوهشی به تشریح این سؤال که چرا شرکت‌های استرالیایی به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت اقدام کرده‌اند، پرداخته‌اند. این در حالی است که تجدید ارزیابی دارایی‌ها (به‌خودی‌خود) تأثیر مستقیمی بر جریان‌های نقدی ندارد و انجام آن هزینه‌بر است. پیش‌بینی انجام‌شده بر این منوال است که تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر هزینه‌های قرارداد و سیاسی اثرگذار باشد. هم‌چنین، تجدید ارزیابی می‌تواند به حل مشکل مرتبط با عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند و یا عاملی برای سیگنال‌اطلاعات به سرمایه‌گذاران باشد. نتایج آن‌ها نشان داد که عوامل و فشارهای اقتصادی تشریح‌کننده تصمیم تجدید ارزیابی دارایی‌هاست. لین و پیسنل (۲۰۰۰؛ ۳۵۹) تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و استهلاک سرمایه در شرکت‌های بریتانیایی را مطالعه کرده‌اند، درحالی‌که تصمیم تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در اختیار مدیریت شرکت‌ها بود. آن‌ها به مطالعه دلایل تجدید ارزیابی دارایی‌ها از منظر استهلاک سرمایه در مقایسه با سایر علل مرتبط با قراردادهای پرهزینه مشخص‌شده در پژوهش‌های قبلی

پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها از توجیه استهلاک سرمایه هم در ارتباط با تصمیم به تجدید ارزیابی و هم‌زمان تجدید ارزیابی، پشتیبانی می‌کند. همچنین، یافته‌های آن‌ها نشان داد که داشتن بدهی بالا، نقدینگی، اندازه شرکت و زیاد شدن دارایی‌های ثابت با تجدید ارزیابی‌های رو به بالا ارتباط دارد. در این راستا، سنگ و سو (۲۰۰۹) به بررسی انگیزه‌های مدیریت برای انجام تجدید ارزیابی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار نیوزلند پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر مایل به تجدید ارزیابی هستند و برخی شرکت‌ها به جای ثبت تجدید ارزیابی، تنها به افشای آن در صورت‌های مالی اکتفا نموده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که افشای ارزش روز دارایی‌های ثابت در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی به جای شناسایی تفاوت ارزش و ثبت آن یک رویه محافظه‌کارانه‌تری است که منجر به صورت‌های مالی قابل‌اتکاتری می‌شود.

چوی و همکاران (۲۰۱۳؛ ۱۴۴) محرک‌ها و ویژگی‌های شرکت‌های کره‌ای که به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت اقدام کرده‌اند و انتخاب‌های آن‌ها برای تجدید ارزیابی، پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که اولاً شرکت‌های کره‌ای در مقایسه با اهداف مرتبط با هزینه‌های سیاسی یا علامت‌دهی شرایط احتمالی بهتر در آینده، به احتمال زیاد به منظور بهبود وضعیت مالی یا کاهش هزینه‌های قراردادی خود، اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت می‌کنند. ثانیاً، نتایج آن‌ها یک رویکرد سلسله‌مراتبی در انتخاب دارایی‌ها جهت تجدید ارزیابی را نشان می‌دهد. شرکت‌ها تجدید ارزیابی زمین را در مقایسه با سایر دارایی‌های قابل استهلاک، انتخاب می‌کنند. ثالثاً، شرکت‌های تجدید ارزیابی‌کننده زمانی دارایی‌های ثابت استهلاک‌پذیر را انتخاب می‌کنند که نسبت اهرمی بالا، استهلاک سرمایه بالا و زیان دارند. نهایتاً، نتایج نشان داد که شرکت‌های تجدید ارزیابی‌کننده به احتمال زیاد زمانی تجدید ارزیابی رو به پایین را انجام می‌دهند که از حیث اندازه بزرگ بوده و دارایی‌های استهلاک‌پذیر را تجدید ارزیابی کرده‌اند. در این راستا، ذکریا (۲۰۱۵) محرک‌ها و آثار تجدید ارزیابی دارایی‌ها در اندونزی را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که منافع داخلی شرکت‌ها برای تجدید ارزیابی بیشترین توضیح‌دهندگی را در مقایسه با منافع خارجی دارد. منافع داخلی تجدید ارزیابی دارایی‌ها دربرگیرنده چهار معیار (شدت دارایی‌های ثابت، وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های سریع معامله، نسبت بدهی به سرمایه و درآمد عملیاتی) است و ناشی از سه محرک از قبیل بهبود کارایی، کاهش هزینه‌های قراردادی و کاهش هزینه‌های سیاسی است. نتایج همچنین نشان داد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به تحمل هزینه‌های ارزشیابی دارایی‌ها، هزینه‌های حسابرسی و هزینه‌های مالیاتی می‌شود.

همانند پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با محرک‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها در سطح بین‌الملل، شواهد تجربی قابل‌توجهی در ارتباط با پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها وجود ندارد. یاو و همکاران (۲۰۱۵؛ ۳۱) تجدید ارزیابی دارایی‌ها و حق‌الزحمه حسابرسی در استرالیا

را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند نسبت به شرکت‌های دیگر، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری را متحمل شده‌اند. همچنین، حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی دارایی‌ها توسط مدیریت آن‌ها انجام شده است در مقایسه با شرکت‌هایی که توسط ارزیابان مستقل انجام شده است، بیشتر است. علیرغم این‌که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت باعث افزایش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود، تجدید ارزیابی سرمایه‌گذاری‌ها باعث کاهش حق‌الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج نشان داد که ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی و دادخواهی شود. در این راستا، دو و همکاران (۲۰۱۴؛ ۱۸۹) بیان می‌کنند که از دیدگاه تئوری نمایندگی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های نمایندگی به‌ویژه با ارزیابی‌های مدیریت شرکت شود، زیرا مدیران داخلی نسبت به ارزیابی‌کننده‌های مستقل خارجی از استقلال کمتری برخوردارند و به این صورت مدیران راحت‌تر می‌توانند در مدیریت سود، شرکت کنند. الکسیوا و لیکوزوا (۲۰۱۶؛ ۲۵۵) در پژوهشی با بررسی ۱۷۷ بانک در ۲۴ کشور اروپایی با هدف بررسی ارتباط بین گزارشگری با سنجه ارزش منصفانه و حق‌الزحمه حسابرسی نتیجه گرفتند که تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. آن‌ها دریافتند که از یک طرف تخمین‌های پیچیده‌تر، تلاش بیشتر حسابرسان را می‌طلبد و از طرف دیگر حسابرسان با توجه به هزینه‌های بالقوه دعوی قضایی، تلاش بیشتری می‌کنند. آن‌ها همچنین دریافتند که نسبت کل دارایی‌های با ارزش‌های منصفانه، حق‌الزحمه حسابرسی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و این نتیجه را می‌توان به ترکیب کل دارایی‌های منصفانه‌ای نسبت داد که تحت تأثیر ورودی‌های با عدم اطمینان پایین (سطح یک) قرار دارد.

به طور اخص در ارتباط با پیامد تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر کیفیت گزارشگری مالی نیز، پژوهش‌های معدودی وجود دارد. به عنوان نمونه، با و همکاران (۲۰۱۹؛ ۱) در تحقیقی با عنوان «آیا با تجدید ارزیابی دارایی ثابت بین مدیران و سرمایه‌گذاران اعتماد ایجاد می‌شود؟»، به بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت بر به موقع بودن و مربوط بودن اطلاعات افشا شده در گزارش‌های مالی پرداختند. به این منظور آن‌ها از اطلاعات شرکت‌های بورس اوراق بهادار کره جنوبی طی بازه زمانی ۲۰۰۷ لغایت ۲۰۱۷ استفاده کردند. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت به بهبود مربوط بودن و به موقع بودن اطلاعات افشاشده کمک می‌کند و تأثیر مثبت بر آن دارد و از این طریق ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. در مقابل شرکت‌هایی که شرایط مالی ناسالم و نامساعدی دارند و دارای سطح بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی‌اند، تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت احتمال سقوط قیمت سهام آن‌ها را افزایش می‌دهد. هو و همکاران (۲۰۱۵؛ ۹۳۰) رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود در شرکت‌های استرالیایی را مطالعه کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که تجدید

ارزیابی دارایی‌های غیر جاری منجر به افزایش مدیریت سود می‌شود. چنین یافته‌ای مطابق با این استدلال است که تجدید ارزیابی دارایی‌ها، مشکل نمایندگی بالا به شکل مدیریت سود را منعکس می‌کند. نتایج اضافی نشان می‌دهد که مدیریت سود در شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی توسط مدیریت آن‌ها انجام شده در مقایسه با شرکت‌هایی که توسط ارزیابان مستقل انجام شده، بیشتر است. هم‌چنین، انتخاب حساب‌برسان و حاکمیت شرکتی قوی، می‌تواند رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در انتخاب‌های حسابداری در ارزیابی دارایی‌های غیر جاری را محدود کند.

در ایران علیرغم این‌که تجدید ارزیابی دارایی‌ها در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین مباحث فعالان اقتصادی و بازار سرمایه است، در مورد عوامل محرکه و پیامدهای آن‌ها پژوهش‌های کمی انجام شده است. مرور متون پژوهشی نشان می‌دهد که پژوهش علی مدد (۱۳۸۱) از جمله معدود پژوهش‌های صورت گرفته در مورد محرک‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران است. پژوهش انجام‌شده توسط علی مدد (۱۳۸۱؛ ۳۵) بیانگر آن است که بهبود کیفیت گزارشگری مالی به هیچ‌وجه هدف اصلی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران نیست. بلکه هدف قوانین مرتبط با تجدید ارزیابی دارایی‌ها و شرکت‌ها، عمدتاً در برگیرنده اهدافی هم چون افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها و خارج شدن از محدودیت‌های ناشی از زیان انباشته و افزایش قیمت سهام شرکت در بازار سرمایه است.

در ارتباط با پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، پژوهش‌های معدودی در ایران انجام شده است. خدای پور و همکاران (۱۳۸۸؛ ۱۰۱) نقش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر افشای مناسب‌تر اطلاعات مالی و مالیات بر درآمد را آزمون کرده‌اند. داده‌های پژوهش از دو منبع، پرسشنامه و داده‌های مبتنی بر صورت‌های مالی، گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد افشای دارایی‌ها با تجدید ارزیابی، رابطه مؤثر و قوی دارد. هم‌چنین، رابطه بین مالیات بر درآمد و تجدید ارزیابی دارایی‌ها، معکوس است. در پژوهشی دیگر، بهار مقدم و فروغی نعمت الهی (۱۳۹۵؛ ۱) نقش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق‌الزحمه حسابرسی را مطالعه کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد. به عبارت دیگر، حساب‌برسان رخداد تجدید ارزیابی دارایی‌ها را در استراتژی تعیین حق‌الزحمه خود لحاظ می‌کنند. منصور و همکاران (۱۳۹۶؛ ۱۴۱) همانند بهارمقدم و فروغی نعمت الهی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر هزینه‌های حسابرسی شرکت‌ها پرداخته‌اند. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۱۲۷ شرکت (شامل ۶۲ شرکت که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی نموده‌اند و ۶۵ شرکت که دارایی‌های خود را به بهای تمام‌شده تاریخی نگهداری می‌کنند)، مشخص و داده‌های موردنیاز نیز از گزارش‌های مالی آن‌ها استخراج گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تجدید ارزیابی دارایی‌ها منجر به افزایش هزینه‌های حسابرسی در

شرکت‌های مورد مطالعه شده است. همچنین شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که از مدل بهای تمام‌شده تاریخی استفاده می‌کنند، هزینه حسابرسی بیشتری متحمل می‌شوند.

۲-۲. بسط فرضیه پژوهش

برای تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران، مزایایی همچون امکان خروج از شمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت (قانون ورشکستگی)، افزایش کارایی اطلاعاتی بازار سرمایه (کاهش عدم تقارن اطلاعاتی)، تقویت ظرفیت تأمین مالی، واقعی‌تر شدن نسبت‌های مالی و بهبود قابلیت مقایسه صورت مالی، قابل‌تصور است. اما، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران که اغلب به شکل افزایش است، می‌تواند با افزایش هزینه استهلاک، موجبات کاهش سود عملیاتی هر سهم شود. همچنین، با افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی که یک رویه رایج در ایران است، به دلیل افزایش تعداد سهام بدون تزریق منابع مالی جدید از طرف سهامداران، سود هر سهم کاهش می‌یابد. این دو پیامد نامطلوب تجدید ارزیابی دارایی‌ها ممکن است یک محرک قابل‌توجهی برای مدیریت واحد تجاری جهت مدیریت سود از نوع افزایشی باشد. چراکه در ادامه پس از تجدید ارزیابی، قیمت سهام شرکت متأثر از سود شرکت خواهد بود. همچنین، ارزیابی عملکرد مدیریت و پاداش مدیریت نیز به‌طور مستقیم با مقوله سود شرکت و قیمت سهام، در ارتباط است (منافع شخصی مدیریت). به‌غیر از انواع تکنیک‌های در دسترس مدیران واحدهای تجاری برای مدیریت سود مانند انتخاب رویه‌های حسابداری، برآوردهای حسابداری و زمان‌بندی آن و مخارج مالی (لویت، ۱۹۹۸)، یکی از گزینه‌هایی که پس از تجدید ارزیابی برای مدیریت واحد تجاری فراهم می‌شود، افزایش سطح اهمیت حسابرسی است. مدیرانی که از این موضوع اطلاع داشته باشند، می‌توانند تحریفات بیشتری را در صورت‌های مالی اعمال کنند و انتظار داشته باشند که هم چنان حسابررس گزارش خود را تعدیل نکند.

سطح اهمیت مبنایی برای حسابررس جهت اظهارنظر در مورد مطلوب بودن یا منصفانه بودن ارائه صورت‌های مالی صاحب‌کار است. به‌عبارت‌دیگر، زمانی که حسابررس گزارش مقبول ارائه می‌دهد در بند اظهارنظر خود بیان می‌کند که صورت‌های مالی صاحب‌کار از تمام جنبه‌های بااهمیت به نحو مطلوب و منصفانه ارائه شده است. در مباحث مربوط به کیفیت حسابرسی که نهایتاً ماحصل آن کیفیت گزارشگری مالی است، به کشف و گزارش تحریفات و اشتباهات بااهمیت اشاره شده است (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ ۳۰۲) بر این اساس حسابررس در مرحله برنامه‌ریزی حسابرسی میزان خطاها یا اشتباهات قابل‌پذیرش را مشخص می‌کند تا بر اساس این معیار، موارد بااهمیت را از بی‌اهمیت، تمیز دهد. مطابق پژوهش مزبیر و همکاران (۲۰۰۵)، حسابرسان در تعیین و تشخیص موارد بااهمیت از بی‌اهمیت از دو بعد کمی و کیفی به موضوع می‌پردازند. بر اساس بعد کمی، با استفاده از برخی اقلام صورت‌های مالی مانند سود خالص،

جمع دارایی‌ها، فروش و غیره سطح اهمیت یا همان سطح خطای قابل پذیرش را تعیین می‌کنند. اما در بررسی سطح بالاتر مطابق استانداردهای حسابرسی، قضاوت حرفه‌ای خود را به کار می‌بندد و موضوع تحریفات و اشتباهات را نه فقط با معیار کمی، بلکه از بابت عمدی و غیرعمدی بودن و ماهیت و شرایط ارقام مورد قضاوت و فضای پیرامونی واحد مورد رسیدگی، مورد مذاقه قرار می‌دهند. بنابراین، چنین بررسی کمی و کیفی در ارتباط یا تحریفات و اشتباهات می‌تواند حسابرسان را به سرمنزل مقصود (ارائه خدمات باکیفیت و نهایتاً گزارشگری مالی باکیفیت)، رهنمون سازد.

تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند با افزایش سطح اهمیت برآوردی حسابرسان در محاسبه سطح اهمیت واقعی صاحب‌کاران اختلال وارد کند و بر مدیریت سود اثرگذار باشد. به طوری که بدون افزایش در توان عملیاتی شرکت، تنها به دلیل افزایش در ارزش ریالی دارایی‌ها واحد تجاری مورد رسیدگی، سطح اهمیت محاسبه شده توسط حسابرسان افزایش پیدا می‌کند. بنابراین، اشتباهاتی که تا قبل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر اساس سطح اهمیت، کشف می‌بایست اصلاح می‌شدند؛ پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها به دلیل قرار گرفتن در سطحی پایین‌تر از سطح اهمیت نیازی به اصلاح نخواهند داشت. لذا، با اختلال در محاسبه سطح اهمیت، ممکن است سطح ارقام تعهدی و نهایتاً مدیریت سود در شرکت‌ها پس از تجدید ارزیابی افزایش یابد. این امر ممکن است آثار نامطلوبی برای استفاده‌کنندگانی داشته باشد که برای تصمیمات اقتصادی خود بر گزارش حسابرسان اتکا می‌کنند؛ زیرا بدون تغییر در وضعیت اقتصادی شرکت و فقط با تغییر در اعداد و ارقام حسابداری ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها و بدون تعدیل گزارش توسط حسابرسان، کیفیت گزارشگری مالی (مدیریت سود) کاهش (افزایش) می‌یابد.

همان طوری که در قسمت مرور پیشینه ذکر شد، یافته‌های هو و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود در شرکت‌های استرالیایی وجود دارد. بنابراین، مطابق شواهد نظری مرتبط با فرضیه رفتار فرصت طلبانه (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵) و مفهوم سطح اهمیت حسابرسی (مزبیر و همکاران، ۲۰۰۵) و شواهد تجربی موجود (هو و همکاران، ۲۰۱۵)، فرضیه پژوهش به شرح ذیل بیان می‌شود:

فرضیه: تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مستقیمی با مدیریت سود دارد.

۳- روش پژوهش

۳-۱. گردآوری داده‌ها

جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۶ است. علت انتخاب این دوره زمانی این است که استاندارد

دارایی‌های ثابت مشهود (استاندارد حسابداری شماره ۱۱) و استاندارد حسابداری شماره ۱۷ با عنوان دارایی‌های نامشهود از سال ۱۳۸۶ اجازه تجدید ارزیابی دارایی‌ها را برای شرکت‌ها داده و قانون بودجه سال ۱۳۹۰ این تجدید ارزیابی و افزایش سرمایه از آن محل (بدون مالیات) را قانونی دانسته است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز جهت تجزیه و تحلیل و بررسی فرضیه‌های پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی که شامل صورت‌های مالی حسابرسی شده و پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (codal.ir) است، استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است که معیارهای اعمال شده به شرح زیر است:

۱. مجموعه کامل صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت در دسترس باشد.
 ۲. جزء شرکت‌های گروه مالی شامل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ نباشند، زیرا افشای اطلاعات مالی و تصمیمات شرکت در آن‌ها متفاوت است.
 ۳. شرکت متعلق به صنعتی باشد که بعد از اعمال محدودیت‌های بندهای فوق، برای نمونه آماری حداقل ۱۰ شرکت در آن صنعت باقی مانده باشد.
- بنابراین با توجه به موارد فوق در نهایت تعداد ۱۰۸ شرکت (جامعه در دسترس) و ۱۱۴۷ شرکت - سال مشاهده برای تجزیه و تحلیل باقی ماندند. فرآیند انتخاب نمونه در پنل (الف) و توزیع مشاهدات برحسب نوع صنعت در پنل (ب) جدول (۱) ارائه شده است. از ۱۰۸ شرکت نمونه، ۴۲ شرکت تجدید ارزیابی کرده‌اند و ۶۶ شرکت تجدید ارزیابی نکرده‌اند.

جدول ۱- فرآیند انتخاب نمونه پژوهش و توزیع مشاهدات برحسب نوع صنعت

پنل (الف): فرآیند انتخاب نمونه پژوهش					
ردیف	شرح				
۱	تعداد کل شرکت‌های موجود در جامعه آماری تحقیق				
۲	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که مجموعه کامل صورت‌های مالی آن‌ها در دسترس نیست				
۳	کسر می‌شود: شرکت‌های گروه مالی				
۴	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که متعلق به صنایعی باشند که پس از اعمال فیلترهای فوق کمتر از ۱۰ شرکت در صنعت باقی مانده باشد				
۵	تعداد شرکت‌های در دسترس				
۶	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که در دوره تحقیق تجدید ارزیابی نداشته‌اند				
۷	شرکت‌هایی که در دوره تحقیق تجدید ارزیابی داشته‌اند				
۸	شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی نداشته‌اند و به نمونه آماری اضافه گردیده‌اند				
۱۰۸	جمع کل نمونه نهایی				
پنل (ب): توزیع مشاهدات پژوهش برحسب نوع صنعت					
نوع صنعت	تعداد شرکت‌های با تجدید ارزیابی	تعداد شرکت‌های بدون تجدید ارزیابی	تعداد شرکت‌ها	تعداد مشاهدات	درصد
خودرو و ساخت قطعات	۹	۵	۱۴	۱۵۲	۱۳/۲۵٪
فلزات اساسی	۸	۴	۱۲	۱۲۶	۱۰/۹۸٪
سایر معادن و محصولات کانی و غیرفلزی	۲	۱۰	۱۲	۱۲۷	۱۱/۰۷٪
مواد غذایی به‌جز قند و شکر و قند و شکر	۹	۱	۱۰	۱۰۴	۹/۰۶٪

سیمان، آهک و گچ	۰	۱۲	۱۲	۱۳۲	۱۱/۵۰٪
کاشی و سرامیک و املاک و مستغلات	۲	۱۰	۱۲	۱۱۰	۹/۶۰٪
ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی	۵	۹	۱۴	۱۵۴	۱۳/۴۴٪
مواد و محصولات دارویی	۱	۱۱	۱۲	۱۳۲	۱۱/۵۰٪
شیمیایی، لاستیک و پلاستیک	۶	۴	۱۰	۱۱۰	۹/۶۰٪
جمع	۴۲	۶۶	۱۰۸	۱۱۴۷	۱۰۰٪

۳-۲. مدل پژوهش

مدل اصلی تحقیق (۱) برگرفته از پژوهش جگی و همکاران (۲۰۰۹) و با توجه به عوامل و شرایط محیطی پژوهش تعدیل شده است. به‌منظور آزمون فرضیه اصلی تحقیق، از مدل رگرسیونی زیر برای بررسی ارتباط بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری، استفاده می‌کنیم. مدل رگرسیون مذکور به شرح ذیل می‌باشد:

$$\begin{aligned}
 AbsDisAcc_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Revaluation_{it} + \beta_2 AudType_{it} + \beta_3 AudChg_{it} + \beta_4 Size_{it} + \\
 & \beta_5 Lev_{it} \\
 & + \beta_6 InvRec_{it} + \beta_7 Liq_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 Growth_{it} + \beta_{10} Issue_{it} \\
 & + \beta_{11} Subs_{it} + \beta_{12} Audopn_{it} + \beta_{13} FYEnd_{it} + \beta_{14} Age_{it} + \beta_{15} ConOwn_{it} \\
 & + \beta_{16} Pvtown_{it} + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it} \quad (1)
 \end{aligned}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته (AbsDisAcc it)

متغیر وابسته این پژوهش، مدیریت سود است. در تحقیقات انجام‌شده در زمینه مدیریت سود، اقلام تعهدی به‌عنوان معیار مدیریت سود مدنظر بوده است. در تحقیق صورت گرفته توسط رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۲؛ ۵۴)، در رابطه با بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نتایج نشان می‌دهد که مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) در هشت صنعت از توان بیشتری برای کشف مدیریت سود برخوردار می‌باشد و در دو صنعت دیگر نیز مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) از کارایی بیشتری برخوردار است. لذا در این پژوهش به‌منظور محاسبه مدیریت سود، از سه الگوی کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) استفاده می‌شود.

الف) مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)

کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) مدلی را طراحی کردند که همانند مدل تعدیل‌شده جونز بود ولی در آن از نرخ بازده دارایی‌ها نیز استفاده شده بود. آن‌ها در مطالعات خود یافتند که این مدل نتایج قوی‌تری نسبت به مدل جونز دارد. مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به‌صورت زیر است:

$$TACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 (1. A_{it-1}) + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) + \beta_3 (PPE_{it}) + \beta_4 (ROA_{it-1}) + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیرهای مدل فوق به شرح ذیل تعریف می‌شوند:

$TACC_{it}$: جمع کل ارقام تعهدی، برابر است با سود عملیاتی منهای جریان وجوه نقد عملیاتی، تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها در ابتدای دوره.

A_{it-1} : برابر است با جمع کل دارایی‌ها در ابتدای دوره.

$AREV_{it}$: برابر است با تغییرات در درآمد فروش.

ΔREC_{it} : برابر است با تغییرات در حساب‌های دریافتنی.

PPE_{it} : برابر است با اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ابتدای دوره تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها در ابتدای دوره.

ROA_{it} : درواقع همان بازده دارایی‌هاست و از تقسیم سود خالص بر جمع کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

ε_{it} : خطای مدل

همه متغیرها در هر سه مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) بر جمع کل دارایی‌های ابتدای دوره صاحب‌کار تقسیم شده‌اند و به‌منظور به‌دست‌آوردن پارامترهای مخصوص هر صنعت در هنگام محاسبه ارقام تعهدی غیر اختیاری، مدل‌های مذکور برای هر صنعت به‌طور جداگانه در هر سال اجرا شده است. ارقام تعهدی اختیاری عبارت است از آماره خطا (ε_{it}) به‌دست‌آمده پس از اجرای مدل‌های مذکور که به‌صورت قدر مطلق آورده می‌شود و مقدار آن نشان دهنده میزان مدیریت سود است. بدین‌صورت که به هر میزان قدر مطلق این آماره خطا (ε_{it}) بیشتر باشد بیانگر مدیریت سود بیشتر خواهد بود.

(ب) مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲)

ارتباط تئوریکی ارقام تعهدی و جریان‌ات نقدی که جنبه‌های ارتباط وجه نقد - سود را در بر دارد و بسیاری از مشکلات رویکرد ارقام بنیادین حسابداری را برطرف نموده، نخستین بار توسط دیچو و دیچف (۲۰۰۲) مطرح شده است؛ مدل دیچو و دیچف (۲۰۰۲) به‌صورت زیر است:

$$\Delta wc_{it} = \beta_0 + \beta_1(CFO_{i,t-1}) + \beta_2(CFO_{it}) + \beta_3(CFO_{i,t+1}) + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

متغیرهای مدل فوق به شرح زیر تعریف می‌شوند:

Δwc_{it} : برابر است با تغییرات در سرمایه در گردش که به‌صورت زیر تعریف می‌گردد:

$$\Delta wc_t = \Delta AR_t + \Delta INV_t + \Delta AP_t + \Delta TAX_t + \Delta OTH_t \quad (4)$$

ΔAR : برابر است با میزان تغییرات در حساب‌های دریافتنی.

ΔINV : برابر است با تغییرات در موجودی مواد و کالا.

ΔAP : برابر است با تغییرات در بدهی‌ها.

ΔTAX : برابر است با تغییرات در بدهی مالیاتی.

$AOTH$: برابر است با تغییرات در سایر دارایی‌های جاری.

CFO_{it} : برابر است با جریان وجوه نقد شرکت I تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها.

A_{it-1} : برابر است با جمع کل دارایی‌ها در ابتدای دوره.

ε_{it} : خطای مدل

ج) مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)

بال و شیواکومار (۲۰۰۶) از مدل ساده اقلام تعهدی و جریان‌های نقد دیچو، کوتاری و واتز (۱۹۹۸) به منظور برجسته نمودن نقش اقلام تعهدی در شناخت به‌موقع زیان‌ها استفاده نمودند. در صورت محافظه‌کارانه بودن سود خالص، انتظار می‌رود که جریان‌های نقدی منفی با کاهش در اقلام تعهدی همراه باشد. مدل مزبور به شکل زیر تعریف می‌گردد:

$$TACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) + \beta_2 PPE_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 DCFO_{it} + \beta_5 (CFO_{it} \cdot TA_{i,t-1}) * DCFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$DCFO$: متغیر ساختگی برابر است با ۱ در صورتی که جریان وجوه نقد منفی باشد در غیر این صورت برابر است با ۰.

سایر متغیرهای این مدل در بخش‌های قبلی تعریف شده‌اند.

متغیر مستقل ($Revaluation_{it}$)

تجدید ارزیابی دارایی‌ها به‌عنوان یک متغیر ساختگی تعریف می‌گردد، بدین صورت که برای سالی که یک شرکت تجدید ارزیابی دارایی‌ها را انجام داده و سال‌های بعد از آن مساوی ۱ و برای سال‌های (های) قبل از سال تجدید ارزیابی دارایی‌های همان شرکت، مساوی ۰ است.

متغیرهای کنترلی

$AudType$: نوع حسابرِس، متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرِس دولتی باشد (سازمان حسابرِس و مفید راهبر) و صفر در غیر این صورت (مؤسسات حسابرِس خصوصی باشند).

$Audchg$: متغیر ساختگی مساوی یک اگر حسابرِس تغییر یافته باشد، در غیر این صورت صفر.

$Size$: اندازه صاحب‌کار، لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌های صاحب‌کار.

Lev : اهرم مالی، جمع کل بدهی‌ها تقسیم بر جمع ارزش دفتری دارایی‌ها.

$InvRec$: نسبت جمع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی به جمع کل دارایی‌ها.

Liq : نسبت جاری، نسبت جمع کل دارایی‌های جاری به جمع کل بدهی‌های جاری.

$Loss$: زیان ده بودن صاحب‌کار، متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحب‌کار زیان گزارش کرده باشد، در غیر این صورت صفر.

$Growth$: نرخ رشد یک‌ساله در فروش.

$Issue$: یک متغیر ساختگی است که اگر شرکت افزایش سرمایه داده باشد ۱ و در غیر این صورت صفر.

Subs: متغیر ساختگی مساوی یک اگر صاحب‌کار شرکت‌های فرعی داشته باشد، در غیر این صورت صفر.

Audopn: متغیر ساختگی مساوی یک اگر گزارش حسابرِس غیرمقبول باشد و صفر اگر گزارش حسابرِس مقبول باشد.

FYEnd: پایان سال مالی صاحب‌کار، متغیر ساختگی مساوی یک اگر پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند باشد و در غیر این صورت صفر.

LogAge: لگاریتم طبیعی سن صاحب‌کار (تعداد سال‌ها از بدو تأسیس شرکت).

Conown: تمرکز مالکیت، درصدی از سهام عادی صاحب‌کار که متعلق است به بزرگ‌ترین سهامدار.

Pvtown: مالکیت خصوصی، متغیر ساختگی مساوی یک اگر بیشتر یا مساوی ۵۰ درصد سهام عادی صاحب‌کار متعلق به بخش خصوصی است در غیر این صورت صفر.

IndustryDum: متغیر ساختگی برای کنترل اثر صنعت.

YearDum: متغیر ساختگی برای کنترل اثر تغییرات در طول زمان.

لازم به ذکر است که متغیرهای کنترلی تعریف‌شده در بالا مطابق پژوهش‌های پیشین مانند جگی و همکاران (۲۰۰۹) و نکل و شارما (۲۰۱۲) و با در نظر گرفتن ویژگی‌های محیطی کشور بر اساس پژوهش‌های داخلی مانند محمدرضائی و همکاران (۲۰۱۸)، به‌منظور کاهش مشکل متغیرهای محذوف همبسته، در مدل رگرسیونی پژوهش گنجانده شده‌اند.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) آورده شده است. پِنل (الف) جدول (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پیوسته پژوهش را نشان می‌دهد. میانگین مدیریت سود که از طریق قدر مطلق جزء خطای مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) محاسبه شده است به ترتیب برابر با ۰/۰۸۱، ۰/۰۹۱ و ۰/۰۸۳ است که در راستای تحقیق محمدرضائی و محمدرضائی (۱۳۹۴؛ ۷) و زگال و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد. همچنین، آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که شرکت‌ها به‌طور میانگین حدود ۶۵ درصد منابع مالی خود را از طریق بدهی تأمین می‌کنند که مطابق آماره‌های توصیفی ارائه‌شده توسط کرمی و مرادی (۱۳۹۸؛ ۸۹) می‌باشد. بعلاوه نسبت موجودی و حساب‌های دریافتی به دارایی‌ها نشان می‌دهد که مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی، ۵۴ درصد از کل دارایی‌ها را تشکیل داده است. همچنین، برای متغیر مالکیت سهامداران عمده به‌طور متوسط ۵۶ درصد از سهام شرکت‌های موردبررسی در دست سهامداران عمده است. این آماره‌های توصیفی

در راستای پژوهش‌های پیشین می‌باشد. آماره‌های توصیفی ارائه شده برای نسبت جمع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی و تمرکز مالکیت در راستای پژوهش محمدرضائی و همکاران (۲۰۱۸) می‌باشد.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل (الف): آماره‌های متغیرهای پیوسته					
نماد	متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین
<i>KLW</i>	قدر مطلق مدیریت سود (باقیمانده مدل کوتاری)	۰/۰۸۱	۰/۰۶۶	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰
<i>DD</i>	قدر مطلق مدیریت سود (باقیمانده مدل دیچو و دیچف)	۰/۰۹۱	۰/۰۷۰	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
<i>BS</i>	قدر مطلق مدیریت سود (باقیمانده بال و شیواکومار)	۰/۰۸۳	۰/۰۶۸	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰
<i>Size</i>	اندازه شرکت	۱۳/۶۷۹	۱۳/۶۵۷	۱۶/۳۳۳	۱۱/۴۴۸
<i>Lev</i>	نسبت بدهی	۰/۶۵۸	۰/۶۵۲	۱/۰۷۱	۰/۳۲۷
<i>InvRec</i>	نسبت جمع موجودی و حساب دریافتی	۰/۵۴۷	۰/۵۶۳	۰/۸۳۰	۰/۲۰۲
<i>Liq</i>	نسبت نقدینگی	۱/۲۲۷	۱/۱۹۰	۲/۲۹۲	۰/۵۰۶
<i>Growth</i>	رشد فروش	۰/۱۶۲	۰/۱۴۰	۰/۸۴۸	-۰/۳۸۵
<i>LogAge</i>	سن شرکت	۳/۵۲۰	۳/۶۳۸	۴/۰۰۷	۲/۵۶۵
<i>Conown</i>	تمرکز مالکیت	۰/۵۶۷	۰/۵۶۰	۰/۹۱۰	۰/۲۱۰

پنل (ب): نتایج آزمون χ^2 - متغیرهای پیوسته

متغیرها	نماد	شرکت‌های دارای	شرکت‌های بدون	آماره آزمون
		تجدید ارزیابی (تعداد مشاهدات = ۱۸۳)	تجدید ارزیابی (تعداد مشاهدات = ۹۶۴)	
قدر مطلق مدیریت سود (باقی مانده مدل کوتاری)	<i>KLW</i>	۰/۰۸۴	۰/۰۸۱	-۰/۵۲۶
قدر مطلق مدیریت سود (باقی مانده مدل دیچو و دیچو)	<i>DD</i>	۰/۰۸۹	۰/۰۹۱	-۰/۴۰۳
قدر مطلق مدیریت سود (باقی مانده بال و شیواکومار)	<i>BS</i>	۰/۰۸۳	۰/۰۸۳	-۰/۱۴۶
اندازه شرکت	<i>Size</i>	۱۴/۲۲۸	۱۳/۵۷۴	-۶/۲۶۱**
نسبت بدهی	<i>Lev</i>	۰/۶۲۸	۰/۶۶۴	۲/۰۸۶**
نسبت جمع موجودی و حساب دریافتی	<i>Invrec</i>	۰/۴۵۶	۰/۵۶۴	۷/۹۳۱**
نسبت نقدینگی	<i>Liq</i>	۱/۱۴۴	۱/۲۴۳	۲/۶۰۶**
رشد فروش	<i>Growth</i>	۰/۱۶۶	۰/۱۶۱	-۰/۱۹۷
سن شرکت	<i>LnAge</i>	۳/۶۷۶	۳/۴۹۰	-۶/۹۹۵**
درصد مالکیت نهادی	<i>ConOwn</i>	۰/۵۵۱	۰/۵۷۰	۱/۱۴۵

متغیرها	نماد	شرکت‌های دارای	شرکت‌های بدون	آماره آزمون
		تجدید ارزیابی (تعداد مشاهدات = ۱۸۳)	تجدید ارزیابی (تعداد مشاهدات = ۹۶۴)	
حسابرس دولتی (%)	<i>AudType</i>	۵۶	۲۲۵	۴/۳۸۴**
تغییر حسابرس (%)	<i>AudChg</i>	۳۰/۶۰	۲۳/۳۴	-۰/۲۸۴
زیان ده بودن (%)	<i>Loss</i>	۴۸	۲۴/۳۷	۲۴/۴۵۷**
صدور سهام (%)	<i>Issue</i>	۲۶/۲۳	۱۵/۳۵	۸/۱۹۳**
شرکت دارای شرکت فرعی (%)	<i>Subs</i>	۲۹/۵۰	۲۰/۰۲	۱/۱۷۶
		۳۹/۸۹	۳۵/۶۸	

پنل (ج): نتایج آزمون کای دو (χ^2) - متغیرهای گسسته

۲/۰۸۷*	۵۴۵	۱۱۴	<i>AudOpn</i>	اظهار نظر حسابر (%)
	۵۶/۵۳	۶۲/۲۹		
۲۱/۵۵۵**	۷۹۰	۱۷۵	<i>FyEnd</i>	تطابق سال مالی با آخر سال (%)
	۸۱/۹۵	۹۵/۶۲		
۷/۶۴۱**	۱۰۰	۳۲	<i>Pvtown</i>	مالکیت خصوصی (%)
	۱۰/۳۷	۱۷/۴۹		

* و ** به ترتیب معناداری در سطح پنج و یک درصد

همان‌طور که نتایج پنل (ب) جدول (۲)، نشان می‌دهد، مطابق آزمون t ، مدیریت سود بر اساس هر سه روش اندازه‌گیری شده در این پژوهش برای شرکت‌های دارای تجدید ارزیابی و بدون تجدید ارزیابی، تفاوت معناداری ندارد. به همین ترتیب، مشاهده می‌شود که در شرکت‌های دارای تجدید ارزیابی، اندازه و سن شرکت بیشتر است، که چنین یافته‌ای قابل‌انتظار است چراکه تجدید ارزیابی موجب بروز شدن و افزایش ارزش دارایی‌های شرکت شده و شرکت‌های با قدمت بیشتر که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین ارزش دفتری و جاری آن‌ها وجود دارد، اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود می‌کنند. همچنین نسبت بدهی، نسبت جمع موجودی و حساب دریافتی و نسبت نقدینگی شرکت‌های تجدید ارزیابی کننده کمتر است، چراکه برای این متغیرها بر جمع دارایی‌هایی تقسیم شده‌اند که به دلیل تجدید ارزیابی افزایش یافته‌اند.

همان‌طور که نتایج پنل (ب) جدول (۲)، نشان می‌دهد، مطابق آزمون کای دو، شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند بیشتر حسابر دولتی داشته‌اند، بیشتر زیان ده بوده‌اند، افزایش سرمایه بیشتری را داشته‌اند، گزارش مشروط بیشتری را دریافت کرده‌اند، پایان سال مالی‌شان بیشتر اسفندماه بوده و بیشتر دارای مالکیت خصوصی بوده‌اند. چنین یافته‌هایی قابل‌انتظار هستند به‌طورمثال بیشتر شرکت‌هایی که دست به تجدید ارزیابی می‌زنند، شرکت‌های زیان ده هستند و از طریق مازاد تجدید ارزیابی نیز افزایش سرمایه می‌دهند و به دلیل زیان ده بودن هم گزارش مشروط بیشتری دریافت می‌کنند.

لازم به ذکر است که برای کاهش دادن اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج پژوهش، یک درصد کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده‌های مربوط به متغیرهای پیوسته را با اعداد نزدیک‌ترین مشاهدات به آن داده‌ها جایگزین شده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون که گزارش نشده است نشان می‌دهد که همبستگی بالائی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. هم‌چنین برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در الگوی پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و بزرگ‌ترین مقدار عامل تورم واریانس برای متغیر نسبت بدهی (lev) عبارت از ۸۷/۳ است. بنابراین نتایج آزمون همبستگی پیرسون و عامل تورم واریانس بیانگر آن است که مشکل هم خطی جدی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

۴-۲. نتایج آزمون فرضیه

جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه پژوهش را نشان می‌دهد. یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود (محاسبه شده بر اساس مدل‌های کوتاری و همکاران ۲۰۰۵ و دیچو و دیچف ۲۰۰۲) دارد. به عبارت دیگر نتایج بیانگر آن است که مدیریت سود در شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند، بیشتر است. چنین یافته‌ای مطابق با فرضیه پژوهش و نتایج هو و همکاران (۲۰۱۵) بر اساس داده‌های استرالیا می‌باشد.

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه پژوهش

$AbsDisAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 Revaluation_{it} + \beta_2 AudType_{it} + \beta_3 AudChg_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 InvRec_{it} + \beta_7 Liq_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 SaleGrowth_{it} + \beta_{10} Issue_{it} + \beta_{11} Subs_{it} + \beta_{12} Audopn_{it} + \beta_{13} FYEnd_{it} + \beta_{14} Age_{it} + \beta_{15} ConOwn_{it} + \beta_{16} Pvtown_{it} + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it}$					
کوتاری و همکاران		دیچو و دیچف		بال و شیوکومار	
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
تجدید ارزیابی دارایی‌ها	۰/۰۱۸	۱/۶۶*	۰/۰۲۰	۱/۸۱*	۰/۰۱۶
نوع حسابرِس	-۰/۰۰۱	-۰/۱۰	-۰/۰۰۶	-۰/۷۳	-۰/۰۰۱
تغییر حسابرِس	-۰/۰۰۶	۰/۸۰	-۰/۰۰۳	-۰/۳۷	-۰/۰۰۴
اندازه صاحبکار	-۰/۰۰۲	-۰/۶۰	-۰/۰۰۵	۱/۵۰	-۰/۰۰۵
نسبت بدهی	۰/۰۳۵	۱/۱۶	۰/۱۳۴	۳/۸۱***	-۰/۰۰۵
جمع موجودی و حساب دریافتنی	-۰/۰۴۳	۱/۴۶	-۰/۰۲۳	-۰/۷۲	-۰/۰۴۴
نسبت جاری	-۰/۰۱۲	۱/۰۳	۰/۱۲۲	۸/۷۱***	۰/۰۱۶
زیان ده بودن	-۰/۰۵۶	-۵/۵۸***	-۰/۰۵۱	-۴/۶۳***	-۰/۰۵۶
نرخ رشد فروش	۰/۰۴۳	۳/۸۹***	۰/۰۵۷	۵/۰۱***	-۰/۰۳۳
افزایش سرمایه	-۰/۰۰۹	۱/۲۴	-۰/۰۱۳	۱/۵۲	-۰/۰۰۵
شرکت دارای شرکت فرعی	-۰/۰۰۷	۰/۹۵	-۰/۰۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۰۵
نوع گزارش حسابرِس	-۰/۰۰۶	۱/۰۰	-۰/۰۱۲	۱/۸۴*	-۰/۰۰۴
پایان سال مالی صاحبکار	-۰/۰۱۱	-۱/۲۵	-۰/۰۰۹	-۰/۸۹	-۰/۰۱۳
سن شرکت	-۰/۰۰۵	۰/۶۴	-۰/۰۱۵	۱/۷۹*	۰/۰۰۶
تمرکز مالکیت	-۰/۰۱۵	۰/۹۷	-۰/۰۰۵	۰/۳۲	۰/۰۲۰
مالکیت خصوصی	-۰/۰۰۰	۰/۰۱	-۰/۰۰۴	-۰/۳۵	-۰/۰۰۶
عدد ثابت	-۰/۱۲۲	-۲/۲۳**	-۰/۳۵۲	-۵/۷۹***	-۰/۱۳۸
سال و صنعت	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.
ضریب تعیین	-۰/۰۹۸		۰/۲۳۸		۰/۱۱۳
آماره F	۳/۵۹۰		۹/۸۳۰		۴/۵۵۰
احتمال آماره F	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

جدول (۳) در راستای متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که متغیر زیان ده بودن رابطه منفی و رشد فروش رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند. مطابق یافته‌های مک نیکولز (۲۰۰۰؛ ۳۱۳) شرکت‌ها برای افزایش سود گزارش شده ممکن است اقدام به فروش‌های اعتباری با اعمال تخفیف‌هایی نمایند، که ماحصل آن افزایش اقلام تعهدی خواهد بود. هم‌چنین،

خطاهای استاندارد اصلاح شده از بابت ناهمسانی واریانس خوشه‌بندی شده^۳ در سطح شرکت، در جداول (۳)، (۴)، (۵) و (۶) گزارش شده است (پترسن، ۲۰۰۹).

۳-۴. آزمون‌های حساسیت

۳-۴-۱. رویکرد آزمون قبل و بعد

به‌منظور مرتفع کردن نقش اخلاک‌گری مشاهداتی که در طول دوره پژوهش تجدید ارزیابی نکرده‌اند، در یک رویکرد جایگزین، فقط شرکت‌هایی که در طول دوره پژوهش تجدید ارزیابی داشته‌اند، آزمون می‌کنیم. مطابق یافته‌های اصلی پژوهش، نتایج ارائه‌شده در جدول (۴) نشان می‌دهد مدیریت سود در شرکت‌هایی که تجدید ارزیابی کرده‌اند، در دوره پس از تجدید ارزیابی نسبت به دوره قبل از آن افزایش یافته است.

جدول ۴- نتایج آزمون اضافی اول (شرکت‌های دارای تجدید ارزیابی)

$AbsDisAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 Revaluation_{it} + \beta_2 AudType_{it} + \beta_3 AudChg_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 InvRec_{it} + \beta_7 Liq_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 SaleGrowth_{it} + \beta_{10} Issue_{it} + \beta_{11} Subs_{it} + \beta_{12} Audopn_{it} + \beta_{13} FYEnd_{it} + \beta_{14} Age_{it} + \beta_{15} ConOwn_{it} + \beta_{16} Pvtown_{it} + \sum \beta_i IndustryDum + \beta_i YearDum + \varepsilon_{it}$									
کوتاری و همکاران		دیجو و دیجف		بال و شیواکومار					
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t				
تجدید ارزیابی دارایی‌ها	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	-۱/۲۹	-۱/۲۶	۱/۶۸*				
نوع حسابرِس	-۰/۰۰۳	۰/۲۷	۰/۰۰۴	-۰/۲۱	-۰/۱۵				
تغییر حسابرِس	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۹	۰/۰۳	-۰/۵۰				
اندازه صاحب‌کار	۰/۰۰۲	۰/۳۵	۰/۰۰۲	۰/۳۵	۰/۸۷				
نسبت بدهی	۰/۰۴۶	۲/۷۵***	-۱/۵۶	۰/۹۰	۰/۴۰				
جمع موجودی و حساب دریافتی	۰/۰۰۹	-۱/۴۲	-۰/۰۶۹	-۰/۱۹	۰/۰۴				
نسبت جاری	-۰/۰۲۸	۵/۸۷***	-۱/۳۰	۱/۴۵	۱/۹۸**				
زیان ده بودن	-۰/۰۵۵	-۴/۰۲***	-۰/۰۵۹	-۳/۸۱***	-۳/۸۶***				
نرخ رشد فروش	۰/۰۲۶	۳/۰۱***	۰/۰۴۶	۱/۴۸	۱/۲۱				
افزایش سرمایه	۰/۰۰۲	۱/۱۰	۰/۰۱۴	-۰/۱۴	-۰/۵۵				
شرکت دارای شرکت فرعی	۰/۰۲۲	۰/۶۵	-۰/۰۰۹	۱/۴۳	۱/۱۱				
نوع گزارش حسابرِس	-۰/۰۰۴	۱/۷۸*	۰/۰۲۱	-۰/۳۰	-۰/۲۲				
پایان سال مالی صاحب‌کار	-۰/۰۲۱	۰/۸۶	۰/۰۲۰	-۰/۸۶	-۰/۸۲				
سن شرکت	-۰/۰۰۶	۰/۸۹	۰/۰۱۴	-۰/۳۴	-۰/۱۷				
تمرکز مالکیت	۰/۰۲۶	۰/۰۸	۰/۰۰۲	۰/۹۱	۱/۰۰				
مالکیت خصوصی	-۰/۰۰۴	-۰/۶۷	-۰/۰۱۳	-۰/۱۹	-۰/۱۲				
عدد ثابت	-۰/۰۵۰	-۳/۵۶***	-۰/۳۴۲	-۰/۵۱	-۰/۷۶				
سال و صنعت	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.				
ضریب تعیین	۰/۱۰۶	-۰/۲۵۹	-۰/۲۵۹	۰/۱۰۶	۰/۱۳۳				
آماره F	۱/۷۷۰	۴/۵۷۰	۴/۵۷۰	۱/۷۷۰	۲/۳۶۰				
احتمال آماره F	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

۴-۳-۲. تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک ناپذیر

در ادامه آزمون تحقیق، نوع دارایی‌های تجدید ارزیابی شده را تفکیک کرده و به بررسی رابطه مدیریت سود شرکت‌ها و تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک ناپذیر پرداخته می‌شود. یافته‌های این آزمون در جدول (۵) نشان می‌دهد تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری بر اساس هر سه مدل مدیریت سود دارد. همچنین، مقادیر ضرایب و سطح معناداری متغیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها در هر سه مدل افزایش یافته است. با توجه به اینکه در ایران بیشترین سهم تجدید ارزیابی دارایی‌ها با توجه به مشاهدات جمع‌آوری شده و نتایج تحقیق، مربوط به دارایی‌های استهلاک ناپذیر مانند زمین هست، لذا بیشترین تأثیر بر سطح اهمیت محاسباتی توسط حسابرسان و در نتیجه احتمال مدیریت سود می‌تواند مربوط به تجدید ارزیابی از محل این نوع از دارایی‌هاست. همچنین، با توجه به این‌که تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران نهایتاً به افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها ختم می‌شود و بیشترین مبالغ مازاد تجدید ارزیابی‌ها مربوط به دارایی‌های استهلاک ناپذیر هست، مدیریت واحد تجاری به دلیل انگیزه‌های حفظ یا افزایش قیمت سهام پس از افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی، اقدام به دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری نماید.

جدول ۵- نتایج آزمون اضافی دوم (تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک ناپذیر)

$\text{AbsDisAcc}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ revaluation_land}_{it} + \beta_2 \text{ AudType}_{it} + \beta_3 \text{ AudChg}_{it} + \beta_4 \text{ Size}_{it} + \beta_5 \text{ Lev}_{it} + \beta_6 \text{ InvRec}_{it} + \beta_7 \text{ Liq}_{it} + \beta_8 \text{ Loss}_{it} + \beta_9 \text{ SaleGrowth}_{it} + \beta_{10} \text{ Issue}_{it} + \beta_{11} \text{ Subs}_{it} + \beta_{12} \text{ Audopn}_{it} + \beta_{13} \text{ FYEnd}_{it} + \beta_{14} \text{ Age}_{it} + \beta_{15} \text{ ConOwn}_{it} + \beta_{16} \text{ Pvtown}_{it} + \sum \beta_{17} \text{ IndustryDum} + \beta_k \text{ YearDum} + \varepsilon_{it}$					
کوئاری	ضریب	آماره t	دیجو و دیجف	ضریب	آماره t
تجدید ارزیابی - استهلاک ناپذیر	۰/۰۲۱	۱/۸۸*	۰/۰۳۱	۰/۰۲۰	۱/۸۵*
نوع حسابرسان	۰/۰۰۱	-۰/۱۴	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۱	-۰/۱۲
تغییر حسابرسان	۰/۰۰۶	۰/۷۹	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۵۰
اندازه صاحب‌کار	۰/۰۰۲	۰/۶۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۱/۴۱
نسبت بدهی	۰/۰۳۷	۱/۲۳	۰/۱۳۸	۰/۰۰۸	۰/۲۵
نسبت جمع موجودی و حساب دریافتی	۰/۰۴۶	۱/۵۶	-۰/۰۱۳	-۰/۰۴۸	۱/۶۹*
نسبت جاری	۰/۰۱۳	۱/۰۸	۰/۱۲۴	۰/۰۱۷	۱/۴۶
زیان ده بودن	-۰/۰۵۶	-۵/۶۱**	-۰/۰۵۲	-۰/۰۵۷	-۵/۵**
نرخ رشد فروش	۰/۰۴۳	۳/۸۶**	۰/۰۵۶	۰/۰۳۳	۲/۹۷**
افزایش سرمایه	۰/۰۰۹	۱/۱۹	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	۰/۵۳
شرکت دارای شرکت فرعی	۰/۰۰۷	۱/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۷۹
نوع گزارش حسابرسان	۰/۰۰۶	۰/۹۵	۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	۰/۵۸
پایان سال مالی صاحب‌کار	-۰/۰۱۱	-۱/۳۱	-۰/۰۱۱	-۰/۰۱۳	-۱/۵۵
سن شرکت	۰/۰۰۵	۰/۷۱	۰/۰۱۶	۰/۰۰۷	۰/۸۷
تمرکز مالکیت	۰/۰۱۶	۱/۰۳	۰/۰۰۷	۰/۰۲۱	۱/۳۹
مالکیت خصوصی	۰/۰۰۱	۰/۰۵	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۶	۰/۵۸
عدد ثابت	-۰/۱۲۸	-۲/۳۵**	-۰/۰۳۶۳	-۰/۱۴۵	-۲/۶۵**
سال و صنعت	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.
ضریب تعیین	۰/۰۹۸	۰/۲۴۱	۰/۲۴۱	۰/۱۱۴	۰/۱۱۴
آماره F	۳/۶۰۰	۹/۸۷۰	۳/۶۰۰	۴/۶۲۰	۴/۶۲۰

احتمال آماره F
 *** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد
 ./.

۴-۳-۳. تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر

در این قسمت رابطه تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر و مدیریت سود آزمون می‌شود. علیرغم این‌که رابطه متغیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود مثبت است و نزدیک به معنادار شدن، اما نتایج معناداری بین متغیر تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر و مدیریت سود، وجود ندارد.

جدول ۶- نتایج آزمون اضافی سوم (تجدید ارزیابی از محل دارایی‌های استهلاک‌پذیر)

$$AbsDisAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 Revaluation_{it} + \beta_2 AudType_{it} + \beta_3 AudChg_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 InvRec_{it} + \beta_7 Liq_{it} + \beta_8 Loss_{it} + \beta_9 SaleGrowth_{it} + \beta_{10} Issue_{it} + \beta_{11} Subs_{it} + \beta_{12} Audopn_{it} + \beta_{13} FYEnd_{it} + \beta_{14} Age_{it} + \beta_{15} ConOwn_{it} + \beta_{16} Pvtown_{it} + \sum \beta_j IndustryDum + \beta_k YearDum + \varepsilon_{it}$$

کوژتاری	دیچو و دیچف	بال و شیواکومار	تجدید ارزیابی
ضریب	ضریب	ضریب	ضریب
آماره t	آماره t	آماره t	آماره t
۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	۰/۰۲۲
۱/۵۰	۰/۰۰۶	۰/۴۲	۱/۵۰
-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲
۰/۰۰۶	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۶
۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۱/۴۹	۰/۰۰۲
۰/۰۳۷	۰/۱۳۰	۳/۷۳***	۰/۰۳۷
۰/۰۳۶	-۰/۰۳۳	-۱/۰۶	۰/۰۳۶
۱/۲۵	-۰/۰۲۳	-۱/۰۶	۱/۲۵
۰/۰۱۳	۰/۱۲۲	۸/۶۹***	۰/۰۱۳
-۰/۰۵۶	-۰/۰۵۰	-۴/۵۵***	-۰/۰۵۶
۰/۰۴۴	۰/۰۵۷	۵/۰۴***	۰/۰۴۴
۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	۱/۵۸	۰/۰۱۰
۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۷
۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۱/۹۰*	۰/۰۰۶
-۰/۰۱۰	-۰/۰۰۸	-۰/۰۷۴	-۰/۰۱۰
۰/۰۰۶	۰/۰۱۶	۱/۸۹*	۰/۰۰۶
۰/۰۱۸	۰/۰۰۶	۰/۳۸	۰/۰۱۸
-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	-۰/۰۲۹	-۰/۰۰۱
-۰/۱۱۸	-۰/۳۴۹	-۵/۷۳***	-۰/۱۱۸
کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.	کنترل شد.
۰/۰۹۷	۰/۲۳۶	۰/۱۱۲	۰/۰۹۷
۳/۶۳۰	۹/۶۵۰	۴/۵۳۰	۳/۶۳۰
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

*** معناداری در سطح ۹۹ درصد؛ ** معناداری در سطح ۹۵ درصد؛ * معناداری در سطح ۹۰ درصد

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تجدید ارزیابی دارایی‌های غیر جاری زمانی مطرح می‌شود که استانداردهای حسابداری مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی است و نرخ تورم بالاست. در سطح بین‌الملل، شواهد ناچیزی در مورد محرک‌ها و پیامدهای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، وجود دارد. اما در ایران، علیرغم این‌که تجدید ارزیابی دارایی‌ها در یک دهه اخیر توجه بسیاری از قانون‌گذاران، فعالان اقتصادی و بازار سرمایه را به خود جلب کرده است، تقریباً شواهدی در مورد محرک‌ها و پیامدهای آن وجود ندارد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی نقش احتمالی تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر مدیریت سود می‌پردازد؛ چراکه سطح اهمیت محاسبه‌شده توسط حسابرسان می‌تواند تحت تأثیر افزایش ارزش دارایی‌ها پس از تجدید ارزیابی قرار گیرد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد. به عبارت دیگر، مدیریت سود در شرکت‌های تجدید ارزیابی شده بیشتر از سایر شرکت‌هاست و در مقایسه با خود این شرکت‌ها قبل از تجدید ارزیابی نیز، بیشتر است. هم‌چنین، نتایج آزمون‌های اضافی نشان می‌دهد که رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود زمانی شدت می‌یابد که عمده تجدید ارزیابی‌ها، از محل دارایی‌های استهلاک‌ناپذیر (زمین) باشد. چنین یافته‌هایی بر اساس نظریه رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت و مفهوم سطح اهمیت قابل تفسیر و توضیح است. تجدید ارزیابی دارایی‌ها به دلیل آثاری منفی که بر سود عملیاتی هر سهم به دلیل افزایش هزینه استهلاک و سود هر سهم به دلیل افزایش سهام این شرکت‌ها از محل مازاد تجدید ارزیابی دارد، ممکن است مدیریت واحد تجاری را به مدیریت سود رو به بالا تشویق کند. هم‌چنین، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند محاسبات و کاربرد سطح اهمیت توسط حسابرس را دچار اختلال کند. به عبارت دیگر، پس از تجدید ارزیابی دارایی‌ها، سطح اهمیت محاسبه‌شده توسط حسابرس نسبت به دوره قبل از تجدید ارزیابی افزایش می‌یابد، درحالی‌که هیچ دارایی جدیدی به شرکت اضافه نشده است. در نتیجه، تحریفات و اشتباهاتی که قبل از تجدید ارزیابی دارایی‌ها با اهمیت تلقی می‌شدند، پس از تجدید ارزیابی ممکن است از سطح اهمیت پایین‌تر قرار گیرند. نهایتاً، این امر ممکن است سطح اقدام تعهدی اختیاری در سطح صورت‌های مالی را افزایش دهد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند دستاوردهای قابل‌توجهی برای فعالان حرفه حسابرسی و نهادهای ناظر به همراه داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند محاسبه و کاربرد سطح اهمیت، توسط حسابرسان را دچار اختلال کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود حسابرسان در محاسبه و به‌کارگیری سطح اهمیت در شرکت‌های تجدید ارزیابی شده، تأمل داشته و معیارهای غیر کمی را در قضاوت‌های خود دخیل نمایند. هم‌چنین، حسابرسان باید در برآورد ریسک حسابرسی، محرک‌های احتمالی مدیریت صاحب‌کار برای رفتار

فرصت طلبانه پس از تجدید ارزیابی را مدنظر قرار دهند. هم‌چنین، اداره حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش حسابرسان شرکت‌های تجدید ارزیابی شده را مورد مطالعه بیشتری قرار دهند.

این پژوهش می‌تواند یک حوزه پژوهشی جدیدی پیش روی پژوهشگران بگشاید. پژوهش حاضر فقط نقش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر مدیریت سود را آزمون کرده است. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آتی نقش تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر سایر موضوعات مانند، سودآوری، کیفیت حسابرسی، کیفیت سود، تأخیر در گزارشگری مالی، ارتباط ارزشی، محتوای اطلاعاتی، ارزش سهام آن‌ها و توان اهرمی آزمون کنند. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود محرک‌های اصلی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران طی یک مطالعه‌ای با رویکرد کمی و کیفی، مورد پژوهش قرار گیرد. با توجه به اینکه در اکثر پژوهش‌های آرشویی حسابداری، جمع دارایی‌ها به‌عنوان متغیر کنترل در مدل رگرسیونی بکار برده می‌شود، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران به شرکت‌هایی که دارایی‌های خود را تجدید ارزیابی کرده‌اند توجه کنند (کنترل کنند) تا متغیر جمع دارایی‌های آن‌ها اختلالی در پژوهش آن‌ها ایجاد نکند. در پایان لازم به ذکر است که این پژوهش همانند پژوهش‌های آرشویی از این دست از محدودیت‌هایی رنج می‌برد. به‌عنوان نمونه، از آنجایی که در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای نمونه‌گیری استفاده شده است و منجر به حذف برخی از صنایع من جمله واسطه‌گری‌های مالی شده است، لذا در تعمیم نتایج به کل صنایع باید احتیاط لازم به عمل آید. به دلیل تعداد کم تجدید ارزیابی‌ها در دوره پژوهش، امکان آزمون فرضیه پژوهش بر اساس مبالغ تجدید ارزیابی (نه استفاده از یک متغیر مجازی) و هم‌چنین امکان انجام آزمون‌ها به صورت یک سال قبل و بعد به دلیل تعداد کم مشاهدات و متفاوت بودن زمان تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها، وجود نداشت.

یادداشت‌ها

۱. اطلاعاتی با اهمیت هستند که حذف یا تحریف (شامل عدم ارائه اطلاعات) آنها منطقی‌اً انتظار رود بتواند به تنهایی یا در مجموع بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگانی که بر مبنای صورت‌های مالی اتخاذ می‌شود، اثرگذار باشند (IASB 2004).

۲. مؤسسات حسابرسی در ایران به منظور تعیین سطح اهمیت از دستورالعمل نشریه ۱۵۰ سازمان حسابرسی استفاده می‌کنند. در این دستورالعمل ضرایبی به منظور برآورد اهمیت ارائه شده است. برای این منظور حسابرس ابتدا میانگین مجموع دارایی‌ها و درآمد شرکت را محاسبه کرده و با اعمال ضرایب مذکور سطح اهمیت را برآورد می‌نماید.

3.Cluster-panel

کتابنامه

۱. باستانی فر، ایمان؛ میرزایی، رخساره. (۱۳۹۳). تحلیل ریشه‌های رکود تورمی در اقتصاد ایران و ارائه راهکارهای برون‌رفت. *فصلنامه پژوهش‌های پولی و بانکی*، ۲۱ (۷): ۳۶۱-۳۸۰.
۲. بهار مقدم، مهدی؛ فروغی نعمت الهی، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق الزحمه حسابرسی. *کنفرانس علمی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بیمه، زنجان، شرکت طراحان پادنا*، https://www.civilica.com/Paper-MAEDCONF01-MAEDCONF01_022.html
۳. خدای پور، احمد؛ انصاری، عبدالمهدی؛ و نمازیان، علی. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر افشای دارایی‌ها و مالیات بر درآمد شرکت‌ها. *پژوهشنامه مالیات*، ۱۷ (۷): ۱۰۱-۱۱۹.
۴. رحمانی، علی؛ حمیدی، الهام. (۱۳۸۵). مبانی نظری و موانع عملی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت. *مجله حسابداری*، ۲۱ (۱۷۶): ۵۶-۶۳.
۵. رحمانی، علی؛ بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۲). بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵ (۱۹): ۵۴-۷۳.
۶. رضائی، محسن. (۱۳۹۷). ارزیابی، علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۲ (۴۲): ۲۰۱-۲۲۷.
۷. سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ ایزد پور، مصطفی؛ و جودکی چگنی، زهرا. (۱۳۹۷). بیش اعتمادی مدیران و نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵ (۲): ۱۹۹-۲۱۴.
۸. علی مدد، مصطفی. (۱۳۸۱). پژوهشی در ضوابط تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در جهان و مقررات و تجارت تجدید ارزیابی در ایران. *فصلنامه تحلیلی اطلاع‌رسانی پژوهشی سازمان حسابرسی*، مهر و آبان، (۱۶): ۳-۲۸.
۹. فروغی نعمت الهی، مرجان. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق الزحمه حسابرسی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان*.
۱۰. کرمی، سحر؛ مرادی، محمد. (۱۳۹۸). تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین تأمین مالی از طریق اعتبار تجاری و ریسک سقوط قیمت سهام. *دانش حسابداری مالی*، ۶ (۴): ۷۷-۹۸.
۱۱. محمدرضائی، فخرالدین؛ فرجی، امید. (۱۳۹۸). معمای سنجش کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های آرشیوی: نقد و ارائه پیشنهادهایی برای محیط پژوهشی ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶ (۱): ۸۷-۱۲۲.

۱۲. محمدرضائی، فخرالدین؛ محمدرضائی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رتبه مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی. *دانش حسابداری و حسابرسی*، ۴ (۱۴): ۱-۱۳.
۱۳. منصوری، فردین؛ سعیدی گراغانی، مسلم و اسدی دویانی، ناهید. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی‌ها بر حق الزحمه حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۸ (۴): ۱۴۱-۱۵۹.

References

- Alexeyeva, I., & Likosova, M. (2016). The impact of fair value measurement on audit fees: Evidence from financial institutions in 24 European countries. *International journal of auditing*, 20(3): 255-266.
- Alimeddad, M. (2002). Research on the revaluation of fixed assets in the world and the regulations and business of revaluation in Iran. *Audit Organization Research Information Analytical Quarterly*, October and November, No. 16: 3-28. (In Persian)
- Bae, J., Lee, J., & Kim, E. (2019). Does fixed asset revaluation build trust between management and investors? *Sustainability*, 11(13): 3700.
- Baharmoghadam, M & foroughi nematellahi, M (2016). Investigating the impact of asset Revaluation on audit fees. *Scientific Conference on Management, Accounting, Economics and Insurance, Zanjan, Padna Designers Company*, https://www.civilica.com/Paper-MAEDCONF01-MAEDCONF01_022.html. (In Persian)
- Ball, R. (2006). International financial reporting standards (IFRS): Pros and cons for investors. *Accounting and Business Research*, International Accounting Policy Forum, 36(sup1): 5-27.
- Ball, R., & Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research*, 44(2): 207-242.
- Balsam, S., Krishnan, J., & Yang, J. S. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A journal of practice & Theory*, 22(2): 71-97.
- Bastani Far, I. & Mirzaei, R. (2014). Analyzing the roots of the stagflation in the Iranian economy and providing solutions. *Journal of Monetary and Banking Research*, 21(7): 361-380. (In Persian)
- Bergstresser, D., & Philippon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 80 (3): 511 -529.
- Brown, P., Izan, H. Y., & Loh, A. L. (1992). Fixed asset revaluations and managerial incentives. *Abacus*, 28(1): 36-57.
- Choi, T. H., Pae, J., Park, S., & Song, Y. (2013). Asset revaluations: motives and choice of items to revalue. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 20(2): 144-171.
- Datar, S. M., Feltham, G. A., & Hughes, J. S. (1991). The role of audits and audit quality in valuing new issues. *Journal of accounting and economics*, 14(1): 3-49.

13. DeAngelo, L. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3): 297-322.
14. Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77(s-1): 35-59.
15. Dechow, P. M., Kothari, S. P., & Watts, R. L. (1998). The relation between earnings and cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 25(2): 133-168.
16. Dechow, P., & Skinner, D. (2000). Earnings Management: reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons*, 14 (2): 235 -250.
17. Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3): 344-401
18. Du, N., McEnroe, J. E., & Stevens, K. (2014). The joint effects of management incentive and information precision on perceived reliability in fair value estimates. *Accounting Research Journal*. 27 (2): 188-206.
19. Foroughi Nematollahi, M. (2016). Investigating the impact of revaluation of assets on audit fees. MSc Thesis, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman. (In Persian)
20. Graham, J.R., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1-3): 3-73.
21. Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4): 365-383.
22. Hendriksen, E. S. (1992). *Accounting Theory*. (Homewood, IL.: Richard D, Irwin, 4th, ed. 1982).
23. Hu, F., Percy, M., & Yao, D. (2015). Asset revaluations and earnings management: Evidence from Australian companies. *Corporate Ownership and Control*, 13(1): 930-939.
24. Jaggi, B., Leung, S., & Gul, F. (2009). Family control, board independence and earnings management: Evidence based on Hong Kong firms. *Journal of Accounting and Public Policy*, 28(4): 281-300.
25. Kamaruzaman, A. J., Mazlifa, M. D., & Maisarah, A. R. (2009). The association between firm characteristics and financial statements transparency: The case of Egypt. *International Journal of Accounting*, 18(2): 211-223.
26. Karami, S. & Moradi, M. (2019). The effect of information asymmetry on the relationship between trad credit financing and stock price crash risk. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 6 (4): 77-98. (In Persian)
27. Khodamipour, A., Ansari, A., & Namazian, A. (2009). The Impact of revaluation of corporate assets on the disclosure of assets and corporate income tax. *Journal of Taxation*, 17 (7): 101-119. (In Persian)
28. Knechel, W. R., & Sharma, D. S. (2012). Auditor-provided non-audit services and audit effectiveness and efficiency: evidence from pre- and post-SOX audit report lags. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1): 85-114.

29. Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1): 163-197.
30. Levitt, A. (1998). The Number Game, Speech delivered at NYU Center for Law and Business. available at: <http://www.sec.gov/news/speech/speecharchive/1998/spch220.txt>.
31. Lin, Y. C., & Peasnell, K. V. (2000). Fixed asset revaluation and equity depletion in the UK. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27(3-4): 359-394.
32. Mansouri, F., Saeedi Graghani, M. & Asadi Dobani, N. (2017). Investigating the impact of asset revaluation on audit fees. *Journal of Accounting Knowledge*, 8 (4): 141-159. (In Persian).
33. McNichols, M. F. (2000). Research design issues in earnings management studies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19 (4-5): 313-345.
34. Messier Jr, W. F., Martinov-Bennie, N., & Eilifsen, A. (2005). A review and integration of empirical research on materiality: Two decades later. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(2): 153-187.
35. Mirshekary, S., & Saudagaran, S. M. (2005). Perceptions and characteristics of financial statement users in developing countries: Evidence from Iran. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 14(1): 33-54.
36. MohammadRezaei, F., & Faraji, O. (2019). The dilemma of audit quality measuring in archival studies: Critiques and suggestions for Iran's research setting. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(1): 87-122. (In Persian)
37. MohammadRezaei, F., Mohd-Saleh, N., & Ahmed, K. (2018). Audit firm ranking, audit quality and audit fees: Examining conflicting price discrimination views. *The International Journal of Accounting*, 53(4): 295-313.
38. MohammadRezaie, F. MohammadRezaie, M. (2015). Investigating the relationship between the ranking of SEO Trusted Audit Firms and auditing quality. *Accounting and Auditing Knowledge*, 4 (14): 1-13. (In Persian)
39. Noronha, C., Zeng, Y., & Vinten, G. (2008). Earnings management in China: an exploratory study. *Managerial Auditing Journal*, 23 (4): 367 -385.
40. Rahmani, A., & Bashiri Manesh, N. (2013). Investigating the power of discovering earnings management models. *Accounting and Auditing Research*, 5 (19): 54-73. (In Persian).
41. Rahmani, A., & Hamidi, E. (2006). Theoretical principles and practical barriers to the revaluation of fixed assets. *Journal of Accounting*, 21(176): 56-63. (In Persian)
42. Rezaei, M. (2018). Causes and consequences of economic crisis in Iran. *Financial Economics*, 12 (42): 201-227. (In Persian)
43. Patersen, M.A. (2009). Estimating standard errors in financial panel data sets: Comparing approaches. *The Review of Financial Studies*, 22 (1), 435-480.
44. Sarlak, N., Faraji, O., & Izadpour, M., Jodaki Chegeni, Z. (2018). CEO Over-confidence and corporate cash holdings: Emphasizing the moderating role

- of audit quality. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 25(2): 199-214. (In Persian)
45. Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizons*, 3 (4): 91-102.
46. Seng, D., & Su, J. (2009). Managerial incentives behind fixed asset revaluations: evidence from New Zealand Firms. Working paper, University of Otago.
47. Yao, D. F., Percy, M., & Hu, F., (2015). Fair value accounting for non-current assets and audit fees: Evidence from Australian companies. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (1): 31-45.
48. Zakaria, A. (2015). An empirical analysis of the motives for and effects of fixed assets revaluation of Indonesian publicly listed companies (Doctoral dissertation, Birmingham City University).